

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۷۲ - ۵۱

شاخصه‌های بُعد کُنشی فرهنگ زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عج) (با نگرشی به آموزه‌های انطباقی دعای ندبه و قرآن)

مرتضی پهلوانی^۱
فاطمه رضائی^۲
مهدی عبداللهی پور^۳
روح الله جهانگیری^۴

چکیده

دعای ندبه از دعا‌های مشهور با موضوع استغاثه از آخرین منجی عالم بشریت است. ادله‌ای را که بر نقش انسان‌ها در فرهنگ مهدوی اقامه شده در آیاتی از قرآن و ادعیه آمده است. ندبه و استغاثه از امام عصر (عج) در این دعا به جملات و کلماتی از قرآن اشاره شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای آموزه‌های قرآنی در دعای ندبه، به تبیین شاخصه‌های بُعد کُنشی فرهنگ زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عج) پرداخته است. نتایج به دست آمده از پژوهش بدین قرار است: ۱. محتوای دعای ندبه در قالب چهار فراز «حمد و صلوات»، «ثنای بر قضا»، «تاریخ از آغاز تا تکامل» و «استغاثه و طلب» و با بیان مطالبی فصیح، حماسی و عاطفی، به تاریخ رنج‌نامه شیعه می‌پردازد و در فراق امام زمان (عج)، می‌تواند تنبّه افراد در راستای اصلاح اوضاع اجتماعی و مبارزه با ظلم و فساد را برانگیزد و زمینه‌ساز ظهور آن حضرت باشد؛ ۲. دعای ندبه، لزوم وجود رهبر الهی برای جامعه اسلامی و لزوم نجات انسان از سرگردانی و ظلالت با کمک رهبر الهی و فراموشی احکام الهی را شاخصه‌های بُعد کُنشی فرهنگ ظهور می‌داند؛ ۳. عوامل زمینه‌سازی ظهور، مسئله شناخت امام زمان (عج)، شناخت وظایف و عمل به آن و مطیع امر بودن و فداکاری است.

واژگان کلیدی

دعای ندبه، زمینه‌سازی، ظهور، امام زمان (عج).

۱. استادیار، عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران.
Email: pahlavani114@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Fatemer13981366@gmail.com

۳. استادیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.
Email: abdollahipour@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد حقوق جزا، مدرس دانشگاه علامه طباطبائی.
Email: R.moghadam2000@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۷ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

طرح مسأله

بر اساس آموزه‌های وحیانی، جهان دارای خداوندی یکتا (انبیاء/۲۲)، مالک (آل عمران/۲۶) و مدبر (یونس/۳) است و هر انسان خردمندی که در هستی و هماهنگی موجود در آن تأمل کند، بر وجود خالق حکیم اقرار خواهد داشت (آل عمران/۱۹۱). پس از یقین به وجود خداوندی حکیم، بیهوده بودن خلقت هستی نیز بی معنا بوده (مؤمنون/۱۱۵) و جهان هستی دارای اهداف مشخص و ماندگاری خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۷۳) که حکمت الهی اقتضاد دارد تا برای تحقق هدف خلقت، انسان‌ها با هدف مذکور و چگونگی دستیابی به آن آشنا گردند که این مهم از طریق بعثت انبیای الهی محقق گردید (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۸). بدیهی است که پس از پیامبر اسلام (ص) به عنوان آخرین پیامبر الهی (الاحزاب/۴۰) - لازم است تا جریان مذکور ادامه داشته باشد و همان دلیلی که موجب بعثت انبیاء شد، موجب نصب امام بعد از پیامبر (ص) می‌گردد (خرازی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶؛ آل یاسین، ۱۴۱۳، ص ۲۷۷).

در دوران حاضر نیز حضرت مهدی (عج) - به عنوان آخرین فرد از خاندان اهل بیت (ع) - مسئولیت هدایت جهان هستی را بر عهده دارد (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۶)؛ البته به دلیل عدم آمادگی فراگیر جهت بهره‌مندی مستقیم از رهبری الهی ایشان، امکان بهره‌مندی کامل از لطف وجودی امام فراهم نیست (حلی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۳) اما پس از فراهم شدن شرایط ظهور آن حضرت، تمامی ظرفیت‌های جریان هدایت هستی جهت شکوفاشدن استعدادهای الهی انسان‌ها و تسهیل مسیر کمال و قرب الهی پدیدار می‌شود.

مهمترین منبع اسلامی در زمینه‌ی ظهور، قرآن کریم است که مباحث مربوطه را به طور کلی و اصولی بیان کرده و همانند بسیاری از موضوعات دیگر، از بیان جزئیات ماجرا، ساکت است ولی می‌توان از تتبع در آیات، تحقق یک حکومت عدل جهانی و فراگیر را به دست آورد. قرآن کریم با بیش از ۱۲۰ آیه ناظر به این موضوع (نک: بحرانی، ۱۳۷۸، صص ۷-۹۰)، بشارت دهنده‌ی سعادت افراد بشر و حکومت صالحان و اتمام حکومت ستمگران بر اساس اراده‌ی الهی است. قرآن کریم با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی دین

الهی (توبه / ۳۳؛ صف / ۹)، غلبه‌ی قطعی متقیان (انبیاء / ۱۰۵)، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه (قصص / ۵) و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت (اعراف / ۱۲۸) را نوید داده است.

از جمله راهکارهای اهل بیت (ع) برای تبیین آموزه‌های هدایتی چه در مقام بینش و گرایش و چه در مقام کُنش، آموزش دعا است. از جمله دعاهایی که از طریق اهل بیت (ع) وارد شده، دعای ندبه است که محتوای آن، توجه خاصی به غیبت امام عصر (عج) دارد و همانند بسیاری از دعاهای دیگر، با حمد و ستایش خداوند متعال شروع شده و در ادامه، فلسفه بعثت پیامبران، جایگاه پیامبر (ص) و رسالت ایشان، جانشینی امیرالمؤمنین (ع)، وضعیّت امت پس از پیامبر (ص)، تحقق وعده‌های الهی، معرفی اهل بیت (ع) و معرفی امام زمان (عج) آمده است.

پیشینه پژوهش

پس از جستجو و بررسی و مراجعه به برخی از کتابخانه‌ها، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و سایت‌های مختلف اینترنتی مشخص گردید که کتاب یا پایان‌نامه‌ای به عنوان «شاخصه‌های بُعد کُنشی فرهنگ زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عج) (با نگرشی به آموزه‌های انطباقی دعای ندبه و قرآن)» ارائه نشده است، اما کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مشابهی مربوط به ظهور وجود دارد که به معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم: «فروغ الولاية» در دعای ندبه» از آیت الله صافی گلپایگانی، «ندبه در فراق امام زمان» از آقای محمد حسین صفاخواه، «شرح دعای ندبه» از آیت الله طالقانی، «درسنامه مهدویت» از سلیمیان، «شرح دعای ندبه» از موسوی خرم‌آبادی، پایان‌نامه‌ای با عنوان «مبانی قرآنی دعای ندبه» از عطیه رنگ‌بو، اشاراتی به مباحث قرآنی دعای ندبه داشت پرداخته شده است. پژوهش حاضر به دنبال آن است با تحلیل فرازهای دعای ندبه بر مبنای آموزه‌های قرآنی، ارائه دهنده‌ی برجسته‌ترین مبانی قرآنی ظهور با تأکید بر دعای ندبه باشد تا گامی هرچند کوچک را در زمینه‌ی تأکید بر پیوستگی قرآن و عترت (ع) و فرهنگ‌سازی و بینش‌بخشی در راستای ظهور امام زمان (عج) بردارد. تتبع نگارنده در آثار منتشر شده بیانگر آن است که تاکنون با این نوع نگرش و نگارش، اثری به زیور طبع آراسته نشده است.

۱- مفهوم شناسی واژگان

برای دست یافتن به فهم مشترک، در ابتدا به تبیین مفهوم واژگان کلیدی این پژوهش، پرداخته می‌شود:

۱-۱- فرهنگ زمینه‌ساز

واژه‌ی فرهنگ از ترکیب دو جزء «فر»- به معنای جلو، بالا، شکوه، درخشندگی و بزرگی- و «هنگ»- به معنای قصد و آهنگ، بیرون کشیدن و برآوردن- تشکیل شده است. معانی متعددی چون تعلیم و تربیت، علم و ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش و بزرگی و سنجیدگی (دهخدا، ۱۳۷۶: ج ۱۱، ۱۷۱۳۲)

بدیهی است که فرهنگ زمینه ساز ظهور، منبعث از فرهنگ و حیانی خواهد بود. خداوند ابزارهای گوناگون شناخت- شامل بر حس، خیال، وهم، عقل و قلب (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶: ۶۰-۵۹)- را در اختیار انسان قرار داده که در قرآن کریم به برخی از این ابزار (نحل: ۷۸) اشاره شده است؛ اما با تمام این ابزارها، فهم و درک برخی از معرفت‌ها برای انسان، امکان پذیر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۵) و وی در این زمینه به وحی الهی نیازمند بوده و آنچه که از طریق وحی به دست می‌آورد را نمی‌تواند از مسیر دیگری به دست آورد. خداوند متعال در این زمینه فرموده است:

از نظر نگارنده مفهوم «فرهنگ زمینه ساز» بدین شرح است:

«مجموعه‌ای از آموزه‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایشی (ناظر به ارزش‌ها) و کنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) که از قرآن کریم و سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت علیهم‌السلام ایشان- به عنوان تبیین کنندگان قرآن- به دست می‌آید و ناظر به ایجاد زمینه‌های فردی و اجتماعی لازم جهت پذیرش حقیقی ولایت امام زمان (عج) به عنوان آخرین فرستاده‌ی الهی- است.»

۱-۲- ظهور

یعنی آشکار شدن چیز نهان بعد از مخفی شدن آن، (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱ ص ۲۶۴). «الظفر ظَهَرَ عَلَيْهِ يَظْهَرُ ظُهُورًا وَأُظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۵۲۶). ظاهر شدن و دیده شدن توسط حواس ظاهری. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ص ۱۷) ظهور

در اصطلاح یعنی ظاهر شدن حضرت مهدی (عج) پس از پنهان زیستن طولانی، جهت قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است. (سلیمیان، ۱۳۸۳ش: ص ۲۶۷)

۱-۳- دعا

«دعا» از ریشه‌ی (دعا- یدعو) و به معنای خواندن، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۶۰) فراخواندن «ندا» درخواست و استغاثه است (راغب اصفهانی، بی تا: ص ۳۱۵) در دعا مخاطب فقط خداوند است و علاوه بر طلب و درخواست در گرفتاری‌ها سپاس و ستایش در گشایش‌ها و نعمت‌های خداوند نیز دعا شمرده می‌شود (رشاد، ۱۳۸۰ش، ص ۳۱۸).

۱-۴- دعای ندبه

قدیمی‌ترین منبع موجود که دعای ندبه در آن ذکر شده، کتاب «مزار» تألیف ابن مشهدی (متوفای ۶۱۰ق) است (ابن مشهدی، ۱۴۰۹ق: ۵۷۳)؛ پس از آن، این دعا توسط منابع معتبری مانند «إقبال الأعمال» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۹۵) و «بحار الانوار» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۹: ۱۰۴) نقل شده است.

بررسی سندی این دعا بدین قرار است: «محمد بن جعفر مشهدی» را به عنوان محدث و فاضلی جلیل القدر معرفی کرده‌اند (حر عاملی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۲۵۲). «محمد بن ابی قُرّه» را نیز فردی «ثقه» (حلی، ۱۳۴۲ش: ۳۲۷) دانسته‌اند که شنیده‌ها و نوشته‌های زیادی از او برجای مانده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۸).

محتوای دعای ندبه در قالب چهار فراز «حمد و صلوات»، «ثنای بر قضاء»، «تاریخ از آغاز تا تکامل» و «استغاثه و طلب» (میرباقری، ۱۳۸۰ش: ۲۵۹-۲۵۸) می‌توان با توجه با قرآینی چون «سفارش به خواندن آن در ایام خاص (چهار عید) که به صورت معمول تنها از جانب معصومان (علیهم السلام) صادر می‌شده است» و «مضامین و عبارات والای آن»، احتمال مآثور بودن دعای ندبه از جانب معصوم (علیه السلام) را دارای قوت قابل تأملی دانست.

۲. شاخصه‌های بُعد کُنشی فرهنگ زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عج)

۲-۱. مبانی ظهور در دعای ندبه

از آنجا که یکی از وسایل ارتباط بندگان با خدا مسأله دعا و نیایش است و یک برنامه عمومی برای همه کسانی که می‌خواهند با خدا مناجات کنند را در بر دارد چرا که روح هر عبادتی قرب به خدا و راز و نیاز با اوست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۶۳۸) لذا آیه شریفه: **(وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ)** (سوره غافر (۴۰): آیه ۶۰) هم دعوت به دعا می‌کند، و هم وعده اجابت می‌دهد، و هم علاوه بر این دعا را عبادت می‌خواند، و نمی‌فرماید کسانی که از دعا به درگاه من استکبار می‌کنند، بلکه به جای آن می‌فرماید کسانی که از عبادت من استکبار می‌کنند. زیرا اگر منظور از عبادت، تنها دعا، که یکی از اقسام عبادت است باشد ترک دعا، استحقاق آتش نمی‌آورد بلکه منظور ترک مطلق عبادت است که استحقاق آتش می‌آورد، پس معلوم می‌شود مطلق عبادت‌ها دعایند. (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۷).

از رسول خدا(ص) روایت آورده که فرمود: خدای تعالی فرموده هیچ مخلوقی دست به دامن مخلوق دیگر نمی‌شود، مگر آنکه من رشته اسباب آسمان‌ها و اسباب زمین را علیه او قطع می‌کنم، دیگر اگر از من چیزی بخواهد عطایش نمی‌کنم، و اگر به درگاهم دعا کند دعایش را مستجاب نمی‌سازم، و هیچ مخلوقی دست به دامن خود نمی‌شود و چشم امید از مخلوق من نمی‌پوشد مگر آن که آسمان‌ها و زمین را ضامن رزقش می‌کنم، آن وقت اگر دعا کند اجابت می‌کنم، و اگر حاجت بخواهد بر می‌آورم، و اگر طلب آمرزش کند او را می‌آمرزم. (حلی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۳ و ۱۲۴).

پس توسل و یادآوری به ساحت مقدس امام زمان (عج) یکی از وظایف شیعه در دوران غیبت آن امام همام است. (لک علی آبادی، ۱۳۸۸: ص ۷۳) البته دعا باید حقیقتاً دعا باشد، نه اینکه مجازاً و صورت آن را آوردن، وعده اجابت هر چند مطلق و بی‌قید و شرط است، اما این شرط را دارد که داعی حقیقتاً دعا کند، و علم غریزی و فطریش منشأ خواسته‌اش باشد، و خلاصه قلبش با زبانش موافق باشد، چون دعای حقیقی آن دعائی است که قبل از زبان سر، زبان قلب و فطرت که دروغ در کارش نیست آن را بخواهد نه تنها

زبان سر، که به هر طرف می‌چرخد، به دروغ و راست و شوخی و جدی و حقیقت و مجاز. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۵).

مقام دعا برای تعجیل فرج نیز یکی از مهم‌ترین شرایط و چه بسا از همه مهم‌تر وجود تقوا در شخص دعاکننده می‌باشد و این به آن معناست که هرچند کثرت دعا به پیشگاه الهی، می‌تواند به فضل و رحمت او عامل بسیار مؤثری در جلو انداختن ظهور امام زمان باشد، اما استجابت همین دعا، مشروط به آن است که دعاکننده در انجام وظایف خود در زمان غیبت، کوشا و تلاش‌گر باشد. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۳).

دعای ندبه حالت «انتظار فرج» را در دل‌های مردم زنده نگه می‌دارد، و این خود ضد ناامیدی و یأس است، و امید، در مقاومت در شدائد سخت لازم است. (واعظ موسوی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۵).

خواننده دعای ندبه به عمق فاجعه‌ای که با غیبت آخرین حجت خدا بر سر جوامع انسانی آمده پی می‌برد و به عظمت مصیبتی که محروم شدن از وجود امام معصوم بر بشریت وارد کرده واقف می‌شود و از این رو چاره‌ای جز این نمی‌بیند که شبانه روز ندبه و زاری سر دهد و به حال و روز سیاهی که به آن گرفتار شده گریه کند. (مهدی پور، ۱۳۸۶: ص ۷۸).

دعای پر فیض ندبه توجه خاصی به غیبت امام عصر (عج) دارد، و همانند بسیاری از دعا‌های دیگر، با حمد و ستایش خداوند متعال شروع شده و به دنبال آن فلسفه‌ی بعثت پیامبران، جایگاه پیامبر (ص) و رسالت ایشان، جانشینی امیر المومنین (ع)، امت پس از پیامبر (ص)، تحقق وعده‌های الهی، معرفی اهل بیت (ع) معرفی امام عصر (عج) آمده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ص ۲۵) به نظر می‌رسد که لزوم وجود رهبر الهی برای جامعه اسلامی، سرگردانی و ضلالت، فراموشی احکام الهی سبب شده که به درگاه خداوند ناله زنیم و از خداوند بخواهیم ظهور نزدیک شود، این موارد یاد شده از جمله مواردی است که مبنای ظهور در دعای ندبه محسوب می‌شود.

۲-۲. لزوم وجود رهبر الهی برای جامعه اسلامی

اسلام در هر کار به وحدت فرماندهی دستور می‌دهد و همچنین اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد، چه بسا که توصیه شده همه افراد بشر در انتخاب رهبر فوق العاده دقیق و سختگیر باشند، و زمام فکر و برنامه خود را به دست هر کس نسپرنند، زیرا رهبر باید همه دردها، نیازها، و خواسته‌های پیروان خود را به خوبی درک کند تا برای درمان و پاسخگویی به آن آماده باشد.

اگر اجتماع از رهبری صحیحی محروم بمانند گرفتار عواقب دردناک شایعه سازی‌ها و نشر شایعات خواهد شد (داورپناه، ۱۳۷۵: ج ۹، ص ۳۰۴) خداوند متعال برای رهنمائی مردم ولی و اولی به تصرف نصب فرموده که پیروی از او بر همه واجب است و طاعت او بر هر فرد واجب است، حکم او بر همه افراد نافذ است هر که از اطاعت او سرپیچی کند از سعادت محروم است و هر که از او پیروی کند رستگار است. (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۸۲).

اینکه قوم بنی اسرائیل مدت چهل سال سرگردان شدند بخاطر این بود که آنها سالیان دراز در زیر ضربات استعمار فرعون به سر برده بودند و رسومات این دوران به صورت عقده‌های حقارت در روان آنان لانه کرده بود لذا حاضر نشدند در مدتی کوتاه زیر نظر رهبری حضرت موسی علیه السلام روح و جان خود را شستشو دهند و با یک جهش سریع برای زندگی نوینی که توأم با افتخار و قدرت و سر بلندی باشد آماده شوند لذا باید سالیان دراز در بیابان‌ها سرگردان بمانند. (داورپناه، ۱۳۷۵: ص ۲۳۹ و ۲۳۸) در آن موقع که مردم گمراه در بیابان زندگی دچار حیرت شده بودند، تنها پیامبران بودند که می‌توانستند بشر را از این سرگردانی نجات داده و آنان را به مکتب دین رهنمائی کنند، و با ارائه یک سلسله اصول اخلاقی و مقررات اجتماعی روابط زندگی را سر و سامان بخشند. پیامبران که برای هدایت و رهنمائی مردم با برنامه خاص از جانب خداوند برانگیخته شده‌اند همگی هدف واحد و مشخصی را تعقیب نموده و در حقیقت در دعوت آن‌ها کوچک‌ترین اختلاف نیست، چنان که می‌فرماید (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَآلِهِ أُوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى) (شوری/۱۳) یعنی شریعت و آئینی را که خدا برای

شما قرار داد همانست که نوح را به آن سفارش نمود و بر تو نیز همان را وحی نمودیم و به ابراهیم و موسی و عیسی نیز همین آئین را توصیه کردیم. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۸۳)

امام علی (ع) فرموده‌اند: زمین هیچ‌گاه از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازد. (کاتب نعمانی، ۱۳۹۰: ص ۲۰۲). حضرت مهدی (عج) در اخبار قائم اطلاق شده برای این که ایستاده و آماده برای ظهور و قیام به امر امامت است و بر مردمان صالح که در امر ایمان و اطاعت ثابت و راست و پا برجا می‌باشند اطلاق می‌شود (... مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ...) (طیب، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۵۱).

از این رو نیازمند به رهبری مدبر و عالم به علوم الهی جهت رفع این نابسامانی‌ها هستیم و بهترین عمل دعا برای ظهور این ذخیره‌ی الهی است. که دعای ندبه این گونه اشاره می‌کند:

« أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ
أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَفْقَامُ الْمُنِيرَةَ
أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ
الْهَادِيَةِ »

حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر راستگویی پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟ کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزیده؟ کجایند خورشیدهای تابان، کجایند ماه‌های نورافشان، کجایند ستارگان فروزان، کجایند پرچم‌های دین، و پایه‌های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود.

در این فرض از دعای ندبه بیان کلمه استفهام آمیز «آین» می‌باشد که در واقع شاید داعی می‌خواهد به ذکر واژه در سرآغاز جمله، علت‌گریه و ندبه‌ی خود را با اشاره بیان کند. و می‌خواهد شدت محبت خود را در فراق آن بزرگواران ابراز نماید با این که می‌خواهد از این طریق خشم و غضب خود را نسبت به ستمکاران و غاصبان حقوقشان ظاهر

نماید. (نک: زمردیان، ۱۳۷۲: ص، ۴۰۹ و ۴۱۰) تمامی این معانی در کلمه‌ی اسرار آمیز «أین» گنجانده شده، چون در اصطلاح عرب این طور معمول است که هر گاه بخواهند چیزی را از کسی طلب کنند که کمال ادب را رعایت نمایند و تقاضای آمرانه نباشد این کلمه را به کار می‌برند. (همان) بنابراین در هر عصری معصومی وجود دارد. خداوند انواری را آفریده که وقتی دل و جانمان را مورد تابش خود قرار می‌دهند وجودمان منور، و در حقیقت به مرتبه‌ی انسانیت و کمال نائل می‌شود؛ آن انوار، انبیاء و ائمه علیهم‌السلام هستند.

۳-۲. لزوم نجات انسان از سرگردانی و ضلالت با کمک رهبر الهی

قرآن کریم عهده‌دار صلاح دین و دنیای جامعه بشر بوده و وسیله تامين سعادت انسان در همه دوران زندگی می‌باشد. و راهنمایی است که هیچ‌گاه پیروان خود را دچار حیرت نمی‌کند و آنان را از سرگردانی نجات می‌دهد و قرآن همان صراط مستقیم است، اگر انسان راه‌های زندگی خود را از روی بصیرت انتخاب نکند و به صراط مستقیم نرساند موجب نگرانی و سرگردانی او است و اگر این راه را طی کند نگرانی و اضطرابش از بین می‌رود و مسیر زندگی‌اش خدایی می‌شود.

انسان اگر مقصدی داشته باشد باید طی طریق کند تا به مقصد برسد و این سه نحوه تصور می‌شود یکی آن که دانسته راه مستقیم را گرفته و به کمال سهولت طی می‌کند و به مقصد می‌رسد دیگر آنکه راه را گم می‌کند و بر خلاف می‌رود و هر چه برود از مقصد دورتر می‌شود که این ضلالت است دیگر آنکه حیران و سرگردان است نمی‌داند به چه طرف سیر کند، (طیب، ۱۳۶۰: ج ۱۴، ص ۲۹۷)

خداوند بر آن نیست که قومی را بعد از آنکه هدایتشان نمود، بی‌راه بگذارد تا آنچه را (که باید از آن) پرهیز کنند، برایشان بیان کند. قطعاً خداوند به هر چیزی داناست. (سوره التوبة (۹): آیه ۱۱۵) بنا بر این مردم در زمان غیبت کبری به خود واگذار نشده‌اند، بلکه موظفند که در فراگیری شاخص‌های دینی و احکام و وظایف مذهبی خود، به فقها و مراجع دینی که نایبان عام امام زمان (عج) هستند، مراجعه کرده و دستورات آنان را اطاعت کنند. و مخالفت با آنها مخالفت با امام زمان (عج) محسوب می‌شود. (موسوی خرم آبادی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۸).

بیشتر مردم به سبب بی اطلاعی از گناهان و خطرات، آن‌ها گرفتار معصیت و نافرمانی خدا می‌شوند و در دام شیطان قرار می‌گیرند. از سویی برخی از مردم حرمت و ممنوعیت گناهان را مربوط به زمان و یا مکان خاصی می‌دانند که این نیز یکی از دام‌های شیطان است و البته همیشه برای انسان توجیهاتی را آماده می‌کند تا او را گرفتار آلودگی نماید و از دستیابی به رشد و سعادت خود محروم سازد. (بهارانچی، ۱۳۸۵: ص ۶۷) از دیر باز چهره‌ی شیطان به عنوان کسی که عامل گمراهی مردم و مانع هدایت انسان‌ها به سوی توحید و دعوت انبیاء بوده است، و در فرصت‌ها به لطایف الحیل به انحراف و گمراهی انسان اقدام می‌کند و او را به انحاء و اشکال مختلف وسوسه می‌کند. (تقوایی، ۱۳۹۰: ص ۵۵).

در این خصوص امام علی (ع) می‌فرماید: شیطان گمراه‌کننده، و نفسی است که به بدی فرمان می‌دهد، آنان را با آرزوها مغرور ساخت، و راه گناه را برایشان آماده کرد، و به آنان وعده‌ی پیروزی داد، و سرانجام به آتش جهنم گرفتارشان کرد. (دستی، ۱۳۹۰: حکمت، ص ۳۲۳)

از این رو در دعای ندبه با تضرع خاصی عامل نابودکننده‌ی فساد و گمراهی را این گونه بیان می‌کند:

أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَ الشَّقَاقِ [النَّفَاقِ]، أَيْنَ ظَلَمَسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَ الْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ [الْكَذِبِ] وَ الْاِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدِ الْعَتَاةِ وَ الْمَرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَ التَّضْلِيلِ وَ الْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعْزِ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدْلِّ الْأَعْدَاءِ ... أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا.

کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف‌اندازی، کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع‌کننده دامهای دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی‌کنندگان، کجاست ریشه‌کن‌کننده اهل لجاجت و گمراهی، و بی‌دینی کجاست عزت‌بخش دوستان، و خوارکننده دشمنان... کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا.

امام عصر (عج) تمام آثار و کج روی‌های هوا و هوس نفسانی را از بین می‌برد و بعد از ارائه راه حق تمام دروغگویان و تکذیب‌کنندگان را به هلاکت می‌رساند و دوران صدق و

صفا و راستی را برقرار می‌کند و تمام کسانی که از حد و مرز الهی خارج شده‌اند را به هلاکت می‌رساند، و اهل ایمان را عزت می‌بخشد و اهل استکبار و کافران را به ذلت می‌کشانند و تقوا را طوری به جهانیان اعلام می‌کند که متناسب اوضاع آن زمان در حکومت حقه الهیه باشد و به برکت وجود این بزرگواران که حجت‌های خدا روی زمین هستند آسمان و زمین باهم اتصال می‌کنند و قوای جاذبه در آنها حکم فرما می‌شود و در آن روز فتح پرچم اسلام بر تمام دنیا افرشته می‌شود و جهانیان را دعوت به اتحاد می‌کند و همه را به سوی اسلام قرآن فرا می‌خواند. (نک: زمردیان، ۱۳۷۲: ۴۷۷-۵۳۷).

امام باقر(ع) در این خصوص می‌فرماید: فرزندان پیامبر(ص) و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام درهایی به سوی خداوند، طریق الی الله، دعوت کننده خلق به سوی بهشت، و راهنمایان به سعادت و کمال‌اند تا روز قیامت. (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ص ۲۰).

۳-۳. تحریف احکام الهی

یکی از مسائل مهم و حساسی که در باره قرآن پیش می‌آید مسئله «تحریف قرآن مجید» است، آیاتی از قرآن به صراحت دلالت دارد که قرآن از تحریف محفوظ مانده و تا ابد نیز مصون خواهد ماند و خداوند در برابر تحریف کنندگان از کتاب خود دفاع خواهد کرد و ستمگران نخواهند توانست، دست خیانت به سوی قرآن ببرند و آن را بازیچه خود قرار دهند و به دلخواه خود در آن تغییراتی ایجاد کنند.

لفظ تحریف در بسیاری از روایات منقول از پیغمبر و ائمه آمده است که منظور: تحریف در معانی و مقاصد قرآن است نه در الفاظ و کلماتش مثل روایت جابر از پیغمبر(ص) که آن حضرت فرمود «روز قیامت سه چیز می‌آید که شکایت می‌کنند قرآن و مسجد و عترت، قرآن می‌گوید ای پروردگار من مرا تحریف و پاره پاره کردند و مسجد می‌گوید مرا تعطیل و تقبیح نمودند و عترت می‌گوید ما را کشتند و طرد کردند و آواره ساختند» (صدوق، ۱۳۹۷: ص ۲۱۲) و امیر المؤمنین در نهج البلاغه در ضمن خطبه‌ای می‌فرماید «و محققا زمانی بعد از من برای شما خواهد آمد که چیزی در آن زمان پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل نباشد (تا آن که می‌گوید) و در نزد مردم آن زمان هیچ کالائی فاسدتر از قرآن نباشد هرگاه چنان که شایسته و سزاوار است تلاوت شود و نه رایج‌تر از

قرآن وقتی از مواردش تحریف شود. (دشتی، ۱۳۹۰: ص ۳۲۰) آن‌ها صریحاً دروغ می‌گویند، حرام و رشوه می‌خورند و احکام خدا را تغییر می‌دهند، آن‌ها با فطرت خود این حقیقت را دریافته بودند که چنین اشخاصی فاسقند و جایز نیست سخنان آن‌ها را در باره خدا و احکام او بپذیرند، و سزاوار نیست شهادت آن‌ها را در باره پیامبران قبول کنند. (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۸، ص ۹۴) به این دلیل خداوند آن‌ها را نکوهش کرده است:

(قَوْلِ الَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلِ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَيدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ) (سوره البقرة (۲): آیه ۷۹).

«پس وای بر کسانی که مطالبی را با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این از طرف خداست، تا به آن بهای اندکی بستانند، پس وای بر آن‌ها از آنچه دست‌هایشان نوشت و وای بر آن‌ها از آنچه (از این راه) به دست می‌آورند!»

و در آیه دیگر می‌فرماید: **(فَأَذِّنْ مُؤَدِّنَ يَبْتِهِمْ: أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ، وَ يَنْتُونَهَا عَوْجًا)** (سوره الأعراف (۷): آیات ۴۴ و ۴۵) و اعلام‌گری در بینشان اعلام می‌کند که لعنت خدا بر ستمگران، که از راه خدا جلوگیری می‌کنند و راه خدا را منحرف می‌سازند. اختلاف‌های دینی و انحراف از جاده صواب، معلول ستمکاری علماء بوده که مطالب کتاب را برای مردم نگفتند و یا اگر گفتند، تاویلش کردند و یا در آن دست انداخته تحریفش نمودند، حتی در روز قیامت هم خدای تعالی این ظلم علماء را اعلام می‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۸۷) آن‌هایی که احکام الهی را کتمان کردند و حقایق را به مردم نگفتند این‌ها همان اشخاصی هستند که گمراهی را با هدایت و عذاب را با آموزش مبادله کرده‌اند راستی چگونه در شعله‌های آتشین جهنم صبر خواهند نمود؟ و چه چیز آن‌ها را بر آتش جهنم شکیب و بی‌باک نموده است که اعمالی که موجب گرفتاری آنان در آتش است با دست خود انجام داده و خود را به عذاب الهی و آتش دوزخ مبتلا می‌سازند بسی جای شگفت است. (داورپناه، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۳۸۹) این جمله اشاره به حدیثی است که رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «هر جبار و ستمگری، قرآن را به پشت سر اندازد، خداوند کمر او را می‌شکند.» رسول اکرم(ص) با این جمله، مصونیت قرآن را از تحریف، تضمین می‌کند و این نوید را می‌دهد که این کتاب آسمانی از دستبرد

ستمگران و تحریف بدعت گذاران محفوظ خواهد ماند و خداوند آنان را از این عمل ناشایست جلوگیری خواهد نمود. آنان هرگز نمی‌توانند، قرآن را بازیچه خود قرار دهند، احکام آن را از میان بردارند و یا تحریفش کنند همان طور که با کتب ادیان گذشته این گونه رفتار کردند و متن آن‌ها را تغییر داده، تحریفش کردند. (نک: ابلاغی نجفی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۳۴).

واقعا اگر مسلمانان قرآن را در پیشاپیش خود قرار می‌دادند و از روشنایی آن کسب نور می‌نمودند، از عذاب دائمی و انحطاطی که دامن‌گیرشان شده است، در امان بودند و در پرتگاه بدبختی و ذلت سقوط نمی‌کردند، تاریکی‌های ضلالت و گمراهی آنان را بدین گونه فراموش می‌گرفت، هیچ حکمی از احکام خدا از هدف عالی خود منحرف نمی‌شد و هیچ قدمی از مسیر صحیح و راه راست لغزش نمی‌کرد. (هاشم زاده هریسی، بی تا: ص ۳۷) در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ الْمَعْدُ يُقَطَعُ دَابِرَ الظَّلْمَةِ أَيْنَ الْمُتَنَتِّظُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجَ أَيْنَ الْمُزْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانَ أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ أَيْنَ الْمُتَّخِيزُ [الْمُتَّخِذُ] لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةَ أَيْنَ الْمُؤَمِّلُ لِإِخْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ.

کجاست آن مهیا گشته برای ریشه کن کردن ستمکاران، کجاست آن که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنتها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابود کننده اهل فسق و عصیان و طغیان.

یکی از اهداف بسیار مهم امام مبارزه با انحرافات و کجروی‌ها و ریشه کن کردن مفساد است. امام می‌آید تا به ظلم و ستم فرجام داده و عدل و داد را روی زمین بگستراند. پیامبر(ص) در یک پیشگویی فرمود: *يملا الله به الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و*

جورا. (کاتب نعمانی، ۱۳۹۰: ص ۱۸).

دعای ندبه توجه خاصی به آخرین منجی عالم بشریت دارد و همچنین در فرازهایی از این دعا عواملی که مانع ظهور می‌شود را با حالتی خاص و گریه و زاری مسئلت خود را از خداوند این گونه در خواست می‌کند که ظلم و ستم تمام دنیا را در بر گرفته و به یک رهبر از جانب خداوند برای ایجاد اتحاد و دوری از ظلم و ستم نیازمند است و همین سبب سرگردانی و ضلالت می‌شود و در پی آن چندین فرقه ایجاد می‌شود که کتاب الهی را با توجه به عقاید خود تحریف می‌کنند، بنابراین مسئله توجه به ظهور در فرازهای این بخش توسط شخص داعی مشخص می‌گردد.

۳. عوامل زمینه سازی ظهور در دعای ندبه

در دعای ندبه نیز عوامل مهمی به عنوان زمینه ساز ظهور شناخته شده که پس از شناخت پروردگار و ستایش او، شناخت آخرین ذخیره الهی، شناخت وظایف و عمل به آن، مطیع امر بودن و فداکاری در این دعا مورد بررسی قرار گرفته، یکی از فواید این دعا این است که: ما می‌توانیم با دعا و گریه و ندبه ظهور را نزدیک تر کنیم.

۳-۱. مسئله شناخت امام زمان (عج)

شناخت امام و حجت الهی بسیار مهم است که در روایت‌های زیادی بر آن تاکید شده است و به مسلمانان سفارش شده است در این راه از خداوند یاری بخواهند که راه نعمت و حجت الهی بر آنان گشوده شود و به واسطه وجود او انسان‌ها از دیگر نعمت‌های الهی بهره‌مند گردند.

اعتقاد به وجود امام زمان در هر عصر و زمانی واجب است، و به موجب دلایل عقلی و نقلی، ایمان بدون شناخت امام زمان (عج) تحقق نمی‌پذیرد زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد. (الهامی، ۱۳۷۲: ص ۱۱) مسئله شناخت امام زمان (عج) از مسائل ضروری است که به تعبیر روایات، اگر کسی امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (برقی، ۱۳۷۰: ص ۵۵۱، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۴۱۲) و شناخت بقیه الله بدین جهت لازم است که اگر او را نشناسیم نه تنها عمل ما باطل است بلکه منحرف و گمراه خواهیم شد. امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: امام، حجت بندگان است و هر که او را

رها کند گمراه می‌شود و هر که با او باشد نجات می‌یابد و رستگار می‌گردد. (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۱۴۸) به همین جهت است که در دعا می‌خوانیم:

أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُضْطَفَى وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُزْتَضَى وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الْغَزَاءِ وَ ابْنِ فَاطِمَةَ
الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحَمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ
النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ [الْمُهْتَدِينَ] ... وَ اقْتَرَابَا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

کجاست فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن‌جبین، و فرزند فاطمه کبری؟ پدر و مادر و جانم فردایت شود، برایت سپر و حصار باشم، ای فرزند سروان مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته... ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه در آویخت، تا آنکه در دسترسی و نزدیکی به خدای علی‌اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود.

در این بند از دعا به وجود مقدس او اشاره شده و ائمه هدی علیهم‌السلام از آن جهت ذریه و اولاد رسول خدا (ص) خوانده شده‌اند که فرزندان حضرت زهرا علیها‌السلام دختر پیامبر اکرم (ص) می‌باشند، که در اینجا امام زمان علیه‌السلام را مخاطب قرار داده و او را به حسب و نسب صفات جمیله یاد کرده و او را به هر یک از لوازم مقام ولایت نسبت می‌دهد، بنا بر این تمام انبیاء و اوصیاء دارای حجت‌هایی بوده که با همه کمالات و خصوصیات که داشته‌اند دین خدا را تمام کرده‌اند و ناظر بر اوضاع و احوال مردم هنگام ورود به جهنم و بهشت هستند. (نک: زمردیان، ۱۳۷۲: ص ۵۵۵).

وقتی پذیرفتیم رب و پرورش دهنده انسان‌ها همواره بهترین شرایط به ثمر رسیدن انسا ن‌ها را فراهم می‌نماید و متوجه شدیم خداوند در راستای همین ربوبیت و پرورش دهندگی‌اش یک روز هم بشریت را بدون حجت و راهنما به معنی واقعی کلمه رها نکرده است، می‌فهمیم که حجت حق تمام آنچه برای هدایت کامل انسان نیاز است در بر دارد و لذا مواظب خواهیم بود چشمانمان از دیدن همه کمالات حجت پروردگار غفلت نکنند. (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ص ۱۳۷).

۲-۳. شناخت وظایف و عمل به آن

بزرگان ما براساس روایات و احادیث و سفارش پیامبر (ص) و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وظایفی را برای مردم در حال غیبت کبری بیان کرده اند که هر یک از آنها خود زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود (عج) خواهد بود. مرحوم محدث قمی به چند مورد از آنها اشاره کرده است:

۱- مهموم بودن برای آن جناب در ایام غیبت. ۲- دعا کردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر (عج) از شر شیاطین انس و جن و طلب تعجیل فرج و نصرت و پیروزی او بر کفار و ملحدین و منافقین. ۳- صدقه دادن در حد توان برای حفظ وجود مبارک ولی عصر (عج). ۴- به جا آوردن حج به نیابت از امام عصر (عج) چنان که در گذشته میان شیعه مرسوم بوده است. ۵- برخاستن از برای تعظیم به هنگام ذکر نام مبارک آن حضرت به ویژه نام مبارک قائم (عج). ۶- تضرع و درخواست از خداوند برای حفظ دین و ایمان از دستبرد شیاطین و رهایی از شبهات. ۷- استمداد و استعانت و استغاثه به آن جناب در هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها و بیماری‌ها و شبهات و فتنه‌ها. (قمی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۳۸۴) در دعا می‌خوانیم:

إِلَى مَتَى وَ أَيْ حِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَ أَيْ نَجْوَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُؤُنَكَ وَ [أَوْ] أَنَاغَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَحْذُلَكَ الْوَرَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُؤُنَهُمْ مَا جَزَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيلَ مَعَهُ الْعُؤِيلَ وَ الْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأَسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى ... وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم، ای مولایم، و تا چه زمان، و با کدام بیان، تو را وصف کنم، و با چه راز و نیازی؟، بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم، و سخن مسرت‌بخش بشنوم، بر من سخت است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تو را وا گذارند، بر من سخت است، که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت، آیا کمک‌کننده‌ای هست، که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟ آیا بی‌تابی هست؟ که او را در بی‌تابی‌اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم، آیا چشمی هست که خار فراق در آن جا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند... تا ما بگوئیم: ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است.

از این مرحله بازهم شیعه‌ی منتظر، حال و هوای دیگری پیدا می‌کند و سخنش گونه‌ای دیگر به خود می‌گیرد. پس از آن که اصل و نسب و ویژگی‌های منحصر به فرد آن عزیز گم شده را به زبان آیات و روایات بیان نمود، حال، ندبه خوان و گریان، بیان حال مشتاقی خود را به زبان می‌آورد، غم سرگشتگی و گم‌گشتگی، دل ندبه خوان را به آتش می‌کشد. (صفا خواه، ۱۳۸۲: ص ۳۲)

۳-۳. مطیع امر بودن و فداکاری

منتظران ظهور از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان، به منزله‌ی مشاهده است و آنان را در آن زمان مانند مجاهدان پیش روی پیامبر خدا (ص) که با شمشیر به جهاد برخاستند قرار داده است. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند. (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷)؛ **الْمُنْتَظَرُونَ يُظْهِرُونَ أَفْضَلَ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ، أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا، وَالِدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا.**

در روایات فراوانی نیز آمده است که هنگام ظهور و بعد از آن، شیطان هم چنان به کار خود ادامه خواهد داد. برای نمونه، از امام باقر(ع) روایت شده است: هنگام ظهور امام عصر(عج)، منادی آسمانی در اول روز ندا می‌دهد که حق با علی(ع) و شیعیان اوست. سپس شیطان در آخر روز از زمین ندا خواهد داد: به درستی که حق با عثمان و پیروان اوست و در آن هنگام است که اهل باطل به شک خواهند افتاد. (شیخ مفید، ۱۴۲۴: ج ۱۱، ص ۳۷۱) اصحاب امام عصر(عج) از مقام والایی برخوردارند تا جایی که در روایتی از امام باقر(ع) رسیده است که حضرت فرمود: گویا می‌بینم اصحاب امام قائم(عج) را که میان شرق و غرب را احاطه کرده‌اند و همه چیز مطیع ایشان است، حتی حیوانات وحشی زمین و پرندگان آسمان. همه چیز به دنبال کسب رضایت ایشان هستند تا جایی که قسمتی از زمین بر قسمت‌های دیگر افتخار می‌کند که امروز یکی از اصحاب قائم(عج) بر من گذشت.

(حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۴۹۴) که در دعای ندبه می‌خوانیم:

يَنْتِ شِعْرِي اَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ اَيُّ اَرْضٍ تُقْلِكُ اَوْ تُزِي اَبْرَضَوَى اَوْ غَيْرَهَا
اَمْ ذِي طَوَى عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُزِي وَ لَا اَسْمَعَ [اَسْمَعَ] لَكَ حَيْسَا ... لَا
تُصَاهِي بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَصِيْفِ شَرْفٍ لَا يُسَاوِي اِلَى مَتَى اَحَارُ [اَجَارُ] فَيْكَ يَا مَوْلَايَ.

ای کاش می‌دانستم خانه‌ات در کجا قرار گرفته، بلکه می‌دانستم کدام زمین تو را برداشته، یا چه خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟ بر من سخت است که مردم را می‌بینم، ولی تو دیده نمی‌شوی، و از تو نمی‌شنوم صدای محسوسی و نه رازونیزی... جانم فدایت، تو قرین شرفی، که وی را برابری نیست.

مسامانان از گذشته تا حال اعتقاد داشته‌اند که خداوند متعال زمامداری امت اسلام را به شخص رسول اکرم (ص) سپرده و سپس به اعتقاد پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام این امر به امامان معصوم علیهم‌السلام منتقل شده است و این مطلب را به ادله‌ی اربعه: کتاب، سنت، عقل و اجماع، می‌توان اثبات کرد. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ص ۵۹) و اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می‌داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر به دیدار ما نائل می‌شدند؛ و اگر بر اساس معرفت واقعی و راست‌گویی و صداق عمل می‌کردند چیزی از ما بر ایشان پنهان نمی‌ماند مگر آنچه که ما برای آنان ناخوشایند می‌دانیم و تأثیری بر آن‌ها ندارد. (مجلسی، ۱۴۲۳: ج ۵۳، ص ۱۷۷، طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۴۹۸)

خداوند متعال، رسولان و ائمه اطهار علیهم‌السلام را برای هدایت بشر به سوی سعادت ابدی فرستاده، از این رو خداوند پیروی و اطاعت از آنان را پیروی و اطاعت از خود و دشمنی با آن‌ها را دشمنی با خود دانسته، بنابراین باید مطیع امر ائمه اطهار (ع) باشیم زیرا کسانی که با کفر و فسق و نافرمانی خداوند، زندگی خود را سرکنند، در آخرت به عذاب الهی گرفتار خواهند شد و در آتش جهنم خواهند سوخت.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر حاکی از آن است که محتوای دعای ندبه در قالب چهار فراز «حمد و صلوات»، «ثنای بر قضا»، «تاریخ از آغاز تا تکامل» و «استغاثه و طلب» و با بیان مطالبی فصیح، حماسی و عاطفی، به تاریخ رنج‌نامه شیعه می‌پردازد و در فراق امام زمان (علیه السلام)، می‌تواند تنبّه افراد در راستای اصلاح اوضاع اجتماعی و مبارزه با ظلم و فساد را برانگیزد و زمینه‌ساز ظهور آن حضرت باشد.

در دعای ندبه نیز لزوم وجود رهبر الهی برای جامعه‌ی اسلامی و لزوم نجات انسان از سرگردانی و ظلمت با کمک رهبر الهی و فراموشی احکام الهی را شاخصه‌های بُعد‌کنشی فرهنگ ظهور می‌داند و عوامل زمینه‌سازی ظهور را مسئله شناخت امام زمان (عج)، شناخت وظایف و عمل به آن و مطیع امر بودن و فداکاری بیان نموده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابلاغی نجفی، محمد جواد. (۱۳۳۲ق)، لهدی الی دین المصطفی. به تحقیق احمد صفایی، قم: صیदा، بی چا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: نشر صادر، سوم.
۳. الهامی، داوود، (۱۳۷۲)، آخرین امید، قم، مکتب الاسلام، اول.
۴. بحرانی، سیدهاشم، (۱۳۷۸)، المحجّه فیما نزل فی القائم الحجه، قم: موسسه الوفا.
۵. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۰ق)، محاسن برقی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. بنی هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۴)، راز پنهانی و رمز پیدایی، تهران، انتشارات نیک معارف، چاپ اول.
۷. بهارانچی، سید محمد حسینی، (۱۳۸۵)، محرّمات اسلام، عطر عترت، چاپ: انصار المهدی، اول.
۸. تقوایی یعقوب، (۱۳۹۰)، علل و عوامل گمراهی، امّ القرآن، قم: اول.
۹. حلّی، ابن فهد، (۱۳۸۴)، عدّه الداعی. به تحقیق تحشید محمد حسی ناجی. قم: یازده.
۱۰. داورپناه، ابوالفضل، (۱۳۷۵)، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: صدرا، اول.
۱۱. دشتی، محمد، (۱۳۹۰)، ترجمه نهج البلاغه، قم: پیام مقدس، چهارم.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، لغت نامه‌ی دهخدا، تهران: سیروس.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم، دارالشامیه.
۱۴. رشاد علی اکبر، (۱۳۸۰)، دانشنامه امام علی، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
۱۵. زمردیان، احمد، (۱۳۷۲)، ندبه و نشاط، شرحی بر دعای ندبه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم.
۱۶. سلیمیان، خدامراد، (۱۳۸۳)، فرهنگ نامه مهدویت، قم: موسسه تخصصی مهدویت، اول.
۱۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر القرآن المجید. به تحقیق سید محمدعلی ایازی، قم: مرکز انتشارات تبلیغ اسلامی، اول.

۱۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۷۳)، فروغ الولاية در دعای ندبه. قم: سوم.
۱۹. طاهرزاده، اصغر، (۱۳۸۸)، دعای ندبه، زندگی در فردایی نورانی، اصفهان: لب لامیزان، دوم.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم.
۲۱. طبیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، دوم.
۲۲. عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، تهران: انتشارات صدوق.
۲۳. عاملی، حر، (۱۴۰۹ق)، وسائل السیعه، قم: موسسه آل البيت (ع) الاحیای التراث، بی جا.
۲۴. قمی، عباس. (۱۳۸۳)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل. به تحقیق هاشم میلانی. قم: دلیل نشرما، اول.
۲۵. کاتب نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۰)، غیبت نعمانی. به تحقیق محمد فربودی. قم: انتخاب اول، اول.
۲۶. کورانی، علی، (۱۴۱۱ق)، معجم احادیث الامام المهدی، قم: معارف الاسلامیه، اول.
۲۷. لک علی آبادی، محمد، (۱۳۸۸)، دلشدگان، هنارس، قم: اول.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۲۷ق)، بحار الانوار، قم: انتشارات احیاء کتب المقدسه، اول.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۲۳ق)، زادالمعاد - مفتاح الجنان، بیروت: اعمی، اول.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۶)، چکیده ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، ترجمه: حسین علی عربی و محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چهارم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، اول.
۳۲. موسوی خرم آبادی، سید مصطفی، (۱۳۸۸)، شرح دعای ندبه، قم: همای نشر.
۳۳. مهدی پور، علی اکبر، (۱۳۸۶)، با دعای ندبه در پگاه جمعه، نشر موعود عصر (عج) تهران، دوم.
۳۴. واعظ موسوی، سید علی اکبر، (۱۳۶۳)، شرح دعای ندبه، بهمن، تهران، اول.
۳۵. هادوی تهرانی، مهدی، (۱۳۷۸)، ولایت و دیانت، قم، خانه خرد، اول.
۳۶. هاشم زاده هریسی، نجمی، (بی تا)، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، بی جا.